



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2024, 5(4): 75-86

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

An Analysis of the Principle of Irrevocability of Contracts in Agency within Electronic Agreements

Mohammad Mahdi Varposhti Boroujeni ^{*1} 

Received:

14 Sep 2024

Revised:

16 Nov 2024

Accepted:

20 Nov 2024

Available Online:

22 Dec 2024

Keywords:

Principle of
irrevocability of
contracts,
Agency,
Contract,
Electronic
Contracts.

Abstract

Background and Aim: The principle of the irrevocability of contracts recognized as one of the foundational elements of contract law serves to ensure the enforceability of obligations arising from agreements. However, digital developments, particularly in the realm of electronic agency, have created novel challenges in applying this principle. The emergence of mechanisms such as electronic signatures and smart contracts, alongside complexities in identifying parties and verifying genuine intent, highlights the need to reassess this principle within digital frameworks.

Materials and Methods: This article is derived from the author's master's thesis, and all ethical standards in research and writing have been observed.

Ethical Considerations: This article is derived from the author's master's thesis, and all ethical standards in research and writing have been observed.

Findings and Conclusion: The findings indicate that, unlike legal or judicial agency, contractual agency can only fall within the scope of the principle of irrevocability of contracts when incorporated as a stipulation within a binding contract. In digital contracts, although the essential character of the principle remains intact, technological specificities such as the automated execution of smart contracts, limitations in verifying intent, and constraints on withdrawal complicate its enforcement and the liabilities of parties in case of breach. A comparative analysis with French law shows that effective enforcement of this principle in digital settings requires formal legal recognition of digital agency, a redefinition of traditional contractual concepts, and adoption of regulations compatible with electronic infrastructures

**1* M.A, Departmnet of Private Law, University of Islamic Sciences of Razavi, Mashhad, Iran.
(Corresponding Author)**

Email: vbmohammadmahdi1996@gmail.com

Phone: +980000000000

Please Cite This Article As: Varposhti Boroujeni, MM (2024). "An Analysis of the Principle of Irrevocability of Contracts in Agency within Electronic Agreements". *Interdisciplinary Legal Research*, 5 (4): 75-86.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

تحلیل اصل لزوم در نمایندگی در عقود الکترونیکی

محمد مهدی ورپشتی بروجنی^{*۱}

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: vbmohammadmahdi1996@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: اصل لزوم به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق قراردادهای، تضمین‌کننده تعهدات ناشی از عقود است، اما تحولات دیجیتال، به‌ویژه در حوزه نمایندگی الکترونیکی، چالش‌های نوینی در مسیر اجرای این اصل پدید آورده است. استفاده از ابزارهایی مانند امضای الکترونیکی و قراردادهای هوشمند و همچنین دشواری در احراز هویت و اراده واقعی طرفین، ضرورت بررسی مجدد این اصل در بستر نوین را نشان می‌دهد. **مواد و روش‌ها:** این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع حقوقی و فناوری، به تحلیل جایگاه اصل لزوم در نمایندگی دیجیتال می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی: این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده بوده و تمامی اصول اخلاقی در نگارش آن رعایت شده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** یافته‌ها نشان می‌دهد که برخلاف نمایندگی‌های قانونی و قضایی، نمایندگی قراردادی در صورتی می‌تواند مشمول اصل لزوم باشد که در قالب شرط ضمن عقد لازم تنظیم شده باشد. قراردادهای دیجیتال، با وجود حفظ ماهیت اصل لزوم، اقتضائات فناورانه نظیر اجرای خودکار قراردادهای هوشمند، احراز اراده و امکان رجوع را محدود کرده و مسؤولیت طرفین را در صورت نقض این اصل، پیچیده‌تر می‌سازد. تحلیل تطبیقی با حقوق فرانسه نشان می‌دهد که اجرای صحیح اصل لزوم در فضای دیجیتال نیازمند شناسایی حقوقی نمایندگی دیجیتال، بازتعریف مفاهیم سنتی قراردادهای، و تصویب مقرراتی متناسب با ساختارهای الکترونیکی است.

کلمات کلیدی: اصل لزوم، نمایندگی، قرارداد، عقود الکترونیکی.

مقدمه

۱- بیان مسأله

اصل لزوم، یکی از اصول بنیادین در حقوق قراردادهاست که به موجب آن، قرارداد منعقدشده برای طرفین الزام آور بوده و جز در موارد استثنایی، قابل فسخ یا انحلال نیست (شهیدی، ۱۳۹۱: ۲/۲۵۴) با این حال، در فضای دیجیتال و به ویژه در نمایندگی های الکترونیکی، اعمال این اصل با چالش هایی نوپدید مواجه شده است تحول در شیوه انعقاد قراردادها، استفاده از ابزارهایی چون امضای الکترونیکی و قراردادهای هوشمند، و دشواری احراز اراده واقعی، اجرای اصل لزوم را با ابهاماتی همراه کرده است از این رو، ضروری است بررسی شود که آیا اصل لزوم همچنان در نمایندگی دیجیتال قابلیت اجرا دارد یا نیازمند بازتعریف و بازنگری است. ضرورت بررسی این موضوع از آن روست که نمایندگی دیجیتال به سرعت در حال جایگزینی شکل های سنتی تعاملات حقوقی است. در این فضا، چگونگی اجرای اصل لزوم نقش مهمی در حفظ امنیت و ثبات قراردادهای ایفا می کند. بی توجهی به این موضوع می تواند منجر به تزلزل تعهدات و کاهش اعتماد در بسترهای الکترونیکی شود. اصل لزوم در منابع مختلفی (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۳/۲۲۴؛ صفایی، ۱۳۹۵: ۲/۱۷۱) بررسی شده و درباره نمایندگی، چه به صورت سنتی (جلیل قنوتی، ۱۳۸۱: ۱۳۳) و چه الکترونیکی (آهنگران، ۱۴۰۳: ۱۰۳)، نیز تحقیقات گوناگونی وجود دارد. اما تاکنون موضوع اصل لزوم در نمایندگی، آن هم در قالب قرارداد های الکترونیکی، به طور مشخص و مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است. بنابراین، این موضوع هنوز جای کار و تحقیق دارد. هدف این پژوهش، تبیین جایگاه اصل لزوم در نهاد نمایندگی، به ویژه در بستر قراردادهای الکترونیکی است. تلاش می شود نشان داده شود که چگونه تحولات دیجیتال می توانند اجرای اصل لزوم را تحت تأثیر قرار دهند یا دچار چالش سازند. در نهایت، پژوهش در پی ارائه راهکارهای حقوقی برای تقویت و تطبیق این اصل با مقتضیات فضای دیجیتال است. ساختار این پژوهش در پنج بخش اصلی تنظیم شده است. ابتدا مبانی نظری و مفاهیم کلیدی بررسی می شود، سپس به تحلیل نمایندگی در فضای دیجیتال و قراردادهای

الکترونیکی پرداخته می گردد. در ادامه، اصل لزوم در نمایندگی دیجیتال تحلیل شده، چالش های آن بررسی و در پایان راهکارهای اصلاحی پیشنهاد می شود.

۲- روش تحقیق: این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعه تطبیقی انجام شده است.

بحث و نظر

۱- مبانی نظری و مفاهیم کلیدی

در این بخش، به منظور تبیین دقیق تر موضوع، ابتدا مفهوم اصل لزوم در قراردادهای بررسی می شود تا جایگاه آن در حقوق قراردادهای روشن گردد. سپس ماهیت و اقسام نمایندگی تحلیل می شود و در ادامه، تحول این نهاد در بستر دیجیتال و ظهور نمایندگی الکترونیکی مورد توجه قرار می گیرد. در پایان، جایگاه اصل لزوم در نمایندگی سنتی و دیجیتال به صورت تطبیقی تحلیل خواهد شد.

۱-۱- مفهوم اصل لزوم در قرارداد

در حقوق ایران هر عقدی که منعقد می شود، برای طرفین الزام آور است و امکان فسخ آن وجود ندارد، مگر در مواردی که قانون اجازه دهد یا طرفین در متن قرارداد حق خیار را پیش بینی کرده باشند. بنابراین، اصل لزوم اختصاص به عقود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۴۸). همچنین در قوانین ایران نیز ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران مقرر داشته است که عقود قانونی برای طرفین و قائم مقام آنها الزام آورند، مگر با اقاله یا فسخ قانونی از اعتبار بیفتند (ماده ۲۱۹، قانون مدنی ایران) که این ماده دلالت بر اصل لزوم دارد. در فرانسه نیز قانون مدنی فرانسه اصلاحات ۲۰۱۶ در ماده ۱۱۰۳، در مورد اصل لزوم بیان داشته است که قراردادهای قانونی برای امضاکنندگان آن همچون قانون الزام آور و لازم الاتباع اند (ماده ۱۱۰۳، قانون مدنی فرانسه اصلاحات ۲۰۱۶) که در مورد این ماده بیان شده است که این ماده با تأکید بر الزام آور بودن و غیرقابل فسخ بودن قرارداد، بر اصل لزوم صحنه می گذارد و هدف آن تقویت قطعیت قراردادهاست. همچنین، اجرای عین تعهد را به عنوان شیوه جبران نقض قرارداد توجیه می کند (پاکباز، ۱۴۰۲: ۸۱). بنابراین، اصل لزوم به عنوان مبانی الزام آور بودن قراردادهای

هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مورد تأکید قرار گرفته و ضامن ثبات و قطعیت روابط قراردادی است

۱-۲- ماهیت و اقسام نمایندگی

در تحلیل ماهیت نمایندگی، می‌توان نمایندگی قراردادی را از زمره حقوق و نمایندگی قانونی و قضایی را از زمره احکام دانست، چراکه ملاک اصلی تفکیک حق و حکم، قابلیت اسقاط و انتقال است؛ ویژگی‌ای که در نمایندگی قراردادی وجود دارد اما در دو نوع دیگر وجود ندارد. بر این اساس، نمایندگی قراردادی ماهیتی اعتباری و قابل واگذاری دارد، در حالی که نمایندگی قانونی و قضایی جنبه الزامی و غیرقابل اسقاط داشته و از جنس حکم محسوب می‌شود. از منظر اقسام نیز رابطه نمایندگی در هر سه نظام حقوقی اسلام، ایران و انگلیس اصولاً جایز تلقی شده و قابل فسخ است. با این حال، در هر سه نظام می‌توان از طریق شرط ضمن عقد یا توافق صریح، به این رابطه اثر الزام‌آور بخشید و آن را به‌صورت غیرقابل فسخ درآورد (قنوتی، ۱۳۸۱: ۱۳۳). در نتیجه، ماهیت نمایندگی بسته به نوع آن می‌تواند در زمره حقوق یا احکام قرار گیرد و اگر چه رابطه نمایندگی در نظام‌های مختلف حقوقی اصولاً جایز است، اما با بهره‌گیری از ابزارهایی چون شرط ضمن عقد می‌توان آن را به رابطه‌ای الزام‌آور و غیرقابل فسخ تبدیل کرد.

۱-۳- تحول نمایندگی در بستر دیجیتال و ظهور نمایندگی الکترونیکی

نمایندگی سنتی فقط با قراردادهای حضوری، امضای دستی و روابط سنتی شکل می‌گرفت به‌طوری‌که از هیچ‌گونه ابزار الکترونیکی استفاده نمی‌شد؛ چنانچه وقتی به ادله اثبات دعوا در قانون مدنی در ماده ۱۲۵۸ نگاه می‌کنیم این ماده ادله اثبات دعوا را شامل اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات و قسم بیان می‌دارد؛ (ماده ۱۲۵۸، قانون مدنی ایران) چنانچه از کلمه کتبی که در کنار اسناد ذکر شده است و همچنین تاریخ تصویب قانون مدنی ایران یعنی ۱۳۰۸ هجری شمسی (قانون مدنی ایران) به خوبی بر می‌آید قراردادها به خصوص نمایندگی در زمان تصویب قانون به صورت سنتی صورت می‌گرفته است؛ حال با گسترش علم و تکنولوژی، اغلب قراردادها

از جمله نمایندگی به‌صورت الکترونیکی منعقد می‌شوند، به‌گونه‌ای که کنترل کامل محیط‌های اینترنتی توسط یک یا چند شخص عملاً غیرممکن شده است. در چنین فضایی، افراد برای تسهیل و تسریع در انعقاد قراردادها از سامانه‌های هوشمند و خودکار بهره می‌گیرند. در جریان انجام اعمال حقوقی از جمله قراردادهای الکترونیکی، انسان‌ها برای رفع نیازهای خود ناگزیرند برخی وظایف را به دیگران واگذار کنند و به نقش واسطه‌ای در فرآیند انشای قرارداد توسل جویند (آهنگران و احمدی، ۱۴۰۳: ۱۰۲). در نتیجه، تحول فضای حقوقی از ساختار سنتی به بستر دیجیتال، ضرورت بازنگری در مفهوم و جایگاه نمایندگی را به‌ویژه در زمینه قراردادهای الکترونیکی و سامانه‌های هوشمند آشکار می‌سازد.

۱-۴- جایگاه اصل لزوم در نمایندگی سنتی و دیجیتال

نمایندگی به‌طور کلی در سه قالب قراردادی، قانونی و قضایی تحقق می‌یابد. در نمایندگی قراردادی، نماینده با اعطای سمت از سوی اصیل، اختیار انجام تصرفات حقوقی را از جانب او کسب می‌کند این نوع نمایندگی، به‌دلیل امکان انصراف و استعفا از سوی نماینده، واجد خصیصه «حق» است، زیرا از یک‌سو نوعی اختیار تصرف محسوب می‌شود و از سوی دیگر، قابل اسقاط در هر زمان است (قنوتی، ۱۳۸۱: ۱۳۶-۱۳۷). بنابراین، برخلاف عقود لازم، این نوع نمایندگی تحت حاکمیت اصل جواز قرار دارد، نه اصل لزومدر مقابل، نمایندگی قانونی مانند ولایت قهری یا وصایت، ناشی از حکم مستقیم قانون است و بدون دخالت اراده اشخاص شکل می‌گیرد (حاجیان، ۱۳۸۶: ۵۵). بیشتر فقها نیز این نوع نمایندگی را از سنخ «حکم» دانسته‌اند نه «حق»، زیرا نه قابل اسقاط است، نه قابل انتقال، و نفع شخصی برای نماینده در آن مفروض نیست (قنوتی، ۱۳۸۱: ۱۳۸). از این‌رو، نمی‌توان آن را مشمول اصل لزوم دانست. همچنین، نمایندگی قضایی که به حکم دادگاه در صورت امتناع یا ناتوانی اشخاص ذی‌ربط ایجاد می‌شود، مانند نمایندگی قانونی خارج از اراده اشخاص است و از شرایط حقوق برخورداری نیست (حاجیان، ۱۳۸۶: ۶۷). نماینده قضایی نیز، همچون امین و قیم، در چارچوب احکام حقوقی عمل می‌کند و نه قراردادها (قنوتی، ۱۳۸۱: ۱۳۸) بر اساس ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران، اصل لزوم فقط شامل

قواعدی مستقل و منسجم نیاز دارند تا پاسخ‌گوی ویژگی‌های خاص و الزامات فضای دیجیتال باشند.

۲-۲- ابزارهای ایجاد نمایندگی در فضای دیجیتال

در فضای دیجیتال، نمایندگی از طریق ابزارهای متنوعی قابل تحقق است. یکی از مهم‌ترین این ابزارها، امضای الکترونیکی مطمئن است. طبق ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیکی، امضای مطمئن تنها در صورتی دارای اعتبار حقوقی است که چهار شرط اساسی را دارا باشد: نخست، به‌طور انحصاری متعلق به شخص امضاکننده باشد؛ دوم، امکان شناسایی هویت امضاکننده را فراهم کند؛ سوم، توسط خود او یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد؛ چهارم، به‌گونه‌ای به داده‌پیام متصل باشد که هرگونه تغییر پس از امضا قابل شناسایی باشد (ماده ۱۰، قانون تجارت الکترونیکی ایران) برآورده شدن این شروط، صحت، امنیت و قابلیت استناد امضای دیجیتال را تضمین کرده و آن را به ابزاری مطمئن برای ایجاد نمایندگی در بسترهای الکترونیکی تبدیل می‌کند. ابزار نوین دیگر برای تحقق نمایندگی دیجیتال، عقود هوشمند هستند؛ این عقود، سامانه‌هایی دیجیتالند که بدون نیاز به دخالت انسانی، امکان اجرای خودکار تعهدات ناشی از توافق طرفین را فراهم می‌سازند (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۰). در این سازوکار، نرم‌افزار نقش نماینده را ایفا کرده و اجرای مفاد قرارداد را به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و خودکار به انجام می‌رساند. در مجموع، ابزارهایی همچون امضای الکترونیکی مطمئن و قراردادهای هوشمند، امکان تحقق نمایندگی معتبر و الزام‌آور در بستر دیجیتال را بدون نیاز به حضور فیزیکی یا اراده لحظه‌ای اشخاص فراهم ساخته‌اند. به‌همین دلیل، این ابزارها نقش کلیدی در شکل‌گیری نظام نوین نمایندگی الکترونیکی ایفا می‌کنند.

۲-۳- اعتبار نمایندگی در فضای دیجیتال

عقود الکترونیکی در فضای دیجیتال شکل می‌گیرند؛ به این معنا که فضای دیجیتال محیطی است که در آن معاملات و تعاملات حقوقی، از جمله نمایندگی، بدون نیاز به حضور فیزیکی طرفین و با تکیه بر فناوری‌هایی نظیر اینترنت، بلاکچین و ابزارهایی مانند قراردادهای هوشمند انجام

عقودی است که با اراده و توافق طرفین منعقد شده باشد و تنها از طریق اقاله یا فسخ قانونی قابل انحلال‌اند. بنابراین، اصل لزوم تنها بر نمایندگی‌های قراردادی که ناشی از توافق‌اند اعمال‌پذیر است، در حالی که نمایندگی‌های قانونی و قضایی به سبب ماهیت غیرقراردادی خود از شمول این اصل خارج‌اند و تابع قواعد خاص خود باقی می‌مانند (ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران).

۲-۲- نمایندگی در فضای دیجیتال و قراردادهای الکترونیکی

در بخش دوم، نمایندگی در فضای دیجیتال و قراردادهای الکترونیکی به‌صورت مرحله‌به‌مرحله بررسی می‌شود. ابتدا تعریف و ویژگی‌های قراردادهای الکترونیکی تبیین می‌گردد، سپس ابزارهای ایجاد نمایندگی در این فضا معرفی می‌شود. در ادامه، اعتبار این نوع نمایندگی تحلیل شده و در پایان، مقایسه‌ای تطبیقی میان نمایندگی دیجیتال و نمایندگی سنتی ارائه می‌شود.

۲-۱- تعریف و ویژگی‌های قراردادهای الکترونیکی

در تعریف قرارداد الکترونیکی آمده است که قرارداد الکترونیکی به توافقی گفته می‌شود که از طریق ابزارهای الکترونیکی برای مبادله کالا، خدمات یا اطلاعات منعقد می‌گردد (محمدی، ۱۳۹۳: ۲۹). قراردادهای الکترونیکی دارای ویژگی‌هایی همچون اعلام اراده از راه دور، نوشتاری بودن، فرمالیسم، و محدود بودن به مبادله کالا و خدمات هستند این قراردادهای اصولاً بر پایه سیستم‌های اطلاعاتی و تبادل داده‌ها شکل می‌گیرند، به‌گونه‌ای که محتوای الکترونیکی آن‌ها، همان بیان اراده طرفین محسوب می‌شود از نظر ساختاری، این قراردادها بالقوه در زمره قراردادهای کتبی قرار می‌گیرند و امضای الکترونیکی به‌عنوان عنصر اساسی در اعتبار اراده، نقشی تعیین‌کننده دارد. با این حال، بسیاری از مسائل ماهوی و شکلی مربوط به قراردادهای مدنی، در فضای الکترونیکی نیز مطرح‌اند و نیازمند قواعدی جامع و هماهنگ‌اند؛ در غیر این صورت، چندانگی مفهومی و محدودیت در تطبیق قواعد سنتی با وضعیت نوپدید این نوع قراردادهای، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (مقامی نیا، ۱۳۹۱: ۹۷). در نتیجه، قراردادهای الکترونیکی با وجود پیروی از ساختار سنتی قراردادهای، به

می‌شود. این فضا ساختار سنتی انعقاد عقود را با چالش‌ها و بازنگری‌های تازه‌ای مواجه کرده است (ارزانی، ۱۴۰۳: ۱۰۵). همچنین، قانون تجارت الکترونیکی ایران در بند «ف» ماده ۲، اصطلاح «وسائل ارتباط از راه دور» را به کار برده است؛ به این معنا که این وسایل، ابزارهایی هستند که فروش کالا یا خدمات را بدون حضور فیزیکی همزمان طرفین ممکن می‌سازند (بند ف ماده ۲، قانون تجارت الکترونیکی ایران) در این فضای دیجیتال، نسبت به فضای واقعی، شناسایی هویت و احراز سمت نماینده پیچیده‌تر است. قانون تجارت الکترونیکی ایران برای پاسخ به این چالش، مقرراتی را پیش‌بینی کرده است. به عنوان نمونه، ماده ۱۰ این قانون درباره «امضای الکترونیکی مطمئن» تصریح می‌کند که چنین امضایی تنها زمانی معتبر است که چهار شرط را دارا باشد: نخست، منحصرأ متعلق به امضاکننده باشد؛ دوم، هویت امضاکننده را مشخص کند؛ سوم، توسط خود او یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد؛ و چهارم، به گونه‌ای به داده‌پیام متصل باشد که هرگونه تغییر در پیام پس از امضا قابل شناسایی باشد (ماده ۱۰، قانون تجارت الکترونیکی ایران) بر این اساس، در فضای دیجیتال، بهره‌گیری از امضای الکترونیکی مطمئن به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای قانونی برای شناسایی هویت و احراز سمت نمایندگی مطرح شده و قانون‌گذار اعتبار و قابلیت استناد آن را در تعاملات دیجیتال و غیرحضوری به رسمیت شناخته است. همچنین، براساس ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی ایران، داده‌پیام‌ها از حیث ارزش اثباتی در مراجع قضایی، هم‌سنگ با اسناد کاغذی در نظر گرفته شده‌اند و صرفاً به دلیل قالب الکترونیکی نمی‌توان آن‌ها را بی‌اعتبار شمرد (ماده ۱۲، قانون تجارت الکترونیکی ایران) از این ماده چنین برداشت می‌شود که اگر اسناد ارائه‌شده در قالب داده‌پیام، شرایط لازم مانند اصالت، انتساب و تمامیت را داشته باشند، می‌توانند نقش مهمی در احراز هویت و اثبات سمت نمایندگی در فضای دیجیتال ایفا کنند. بنابراین، این ماده پشتوانه‌ای حقوقی برای پذیرش اسناد دیجیتال در اثبات روابط نمایندگی و سایر تعاملات حقوقی در بستر دیجیتال فراهم کرده است. در نتیجه، با توجه به تحولات فضای دیجیتال، قانون تجارت

الکترونیکی ایران با تأکید بر اعتبار امضای الکترونیکی مطمئن و داده‌پیام‌ها، سازوکاری روشن برای احراز هویت و اثبات سمت نمایندگی در بسترهای غیرحضوری ارائه می‌دهد. این رویکرد، زمینه‌ساز پذیرش و اعتبار روابط نمایندگی در نظام حقوقی دیجیتال شده است.

۲-۴- مقایسه تطبیقی با نمایندگی سنتی

نمایندگی الکترونیکی، برخلاف نمایندگی سنتی که غالباً به صورت حضوری و با توافق مستقیم میان طرفین محقق می‌شود، در فضای دیجیتال و از طریق ابزارهایی چون امضای الکترونیکی مطمئن (ماده ۱۰، قانون تجارت الکترونیکی ایران)، داده‌پیام (بند الف ماده ۲)، قراردادهای هو شمند (نا صر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۵۵) و سایر وسایل ارتباطی از راه دور (بند ف ماده ۲، قانون تجارت الکترونیکی ایران) شکل می‌گیرد. در این فضا، انجام فرآیند نمایندگی بدون نیاز به حضور فیزیکی و تعامل مستقیم ممکن شده است. با این حال، از منظر ماهیت حقوقی، تفاوت میان این دو نوع نمایندگی صرفاً شکلی است و نه ماهوی چرا که همان‌گونه که تحلیل شد، قراردادهای الکترونیکی از نظر ماهیت با قراردادهای سنتی تفاوتی ندارند و تنها تفاوت آن‌ها در نحوه انعقاد است. این تفاوت ناشی از استفاده از ابزارهای دیجیتال به جای روش‌های حضوری و سنتی می‌باشد (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۵۷). بنابراین، احکام حقوقی ناظر بر نمایندگی‌های سنتی، نظیر وکالت، امانت و کفالت، به نمایندگی‌های مشابه در بستر دیجیتال نیز قابل اعمال است. حتی در خصوص نمایندگی‌های قانونی یا قضایی که از طریق ابزار دیجیتال ایجاد یا اعمال می‌شوند، به دلیل ثبات در ماهیت، همان احکام سنتی جریان دارد. در ارتباط با اصل لزوم نیز، با توجه به اینکه این اصل بر مبنای توافق طرفین و قصد انشاء آن‌ها در عقد استوار است (شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۷۰/۲)، اجرای آن در فضای دیجیتال نیز به همان صورت ادامه می‌یابد. الکترونیکی بودن عقد تغییری در شمول یا اثر اصل لزوم ایجاد نمی‌کند، زیرا ماهیت قرارداد ثابت باقی می‌ماند. تفاوت اصلی و قابل توجه میان این دو نوع نمایندگی در موضوع احراز هویت و اثبات سمت نماینده است؛ مسأله‌ای که تنها در نمایندگی الکترونیکی با چالش جدی مواجه می‌شود. قانون تجارت الکترونیکی ایران برای پاسخ به این

متعهد می‌شود شخصی را به وکالت بپذیرد؛ در این فرض، الزام به انشای وکالت وجود دارد، ولی حق عزل همچنان باقی است. دوم، شرط وکالت به صورت شرط نتیجه که شخص از لحظه انعقاد عقد لازم وکیل می‌شود؛ این وضعیت از مصادیق روشن وکالت بلاعزل است. سوم، شرط عدم عزل به صورت شرط فعل که موکل تعهد می‌کند از حق عزل استفاده نکند؛ ولی همچنان امکان عزل دارد و در صورت ضرر، مسؤول جبران خواهد بود. چهارم، شرط عدم عزل به صورت شرط نتیجه که در این حالت، موکل حق عزل را از دست می‌دهد و وکالت به نوعی لازم‌الاجرا تلقی می‌شود. البته در همه این موارد باید توجه داشت که شرط عدم عزل نباید به گونه‌ای باشد که منجر به سلب کلی حق شود؛ چراکه مطابق مواد ۹۵۹ و ۹۶۰ قانون مدنی ایران، سلب حق به طور مطلق معتبر نیست. در نهایت، باید گفت که نمایندگی قراردادی ذاتاً جایز است، اما از طریق شروط ضمن عقد لازم می‌توان آثار اصل لزوم را بر آن بار کرد این لزوم نه از ذات رابطه نمایندگی، بلکه از قرارداد ضمیمه ناشی می‌شود (قنوتی، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۱۴۴). بنابراین، اصل لزوم در نمایندگی تنها در صورت وجود شرط معتبر قابلیت اجرا دارد و نمی‌توان آن را قاعده حاکم بر همه روابط نمایندگی دانست.

۳-۲- تأثیر قراردادهای الکترونیکی بر مفهوم و دامنه اصل لزوم

برای روشن‌تر شدن این بحث لازم است سه نکته کلیدی را مورد بررسی قرار گیرد. نکته کلیدی اول آن است که آیا وقتی قراردادها در فضای الکترونیکی منعقد می‌شوند از نظر اصل لزوم مانند قراردادهای سنتی می‌باشند؟ در جواب گفته می‌شود که همانطور که اشاره شد قراردادهای الکترونیکی با عقود سنتی تفاوت آن‌ها صرفاً شکلی است از این‌رو چون تفاوت ماهوی نیست اصل لزوم همانگونه که در عقود سنتی جاری خواهد بود در عقود الکترونیکی نیز جریان خواهد داشت. حال سؤال دومی که مطرح می‌شود آن است که آیا ابزارهای الکترونیکی (مثلاً امضای دیجیتال) در شناسایی اراده واقعی و تحقق ایجاب و قبول خللی وارد می‌کنند؟ در جواب لازم است گفته شود که اگر به دلیل اشکال در احراز اراده یا هویت طرفین، اعتبار قرارداد محل تردید باشد، اصل لزوم هم زیر

نیاز، در موادی چون ۱۰ و ۱۲، مقرراتی درباره امضای مطمئن و ارزش اثباتی داده‌پیام‌ها پیش‌بینی کرده که امکان شناسایی هویت و انتساب اراده را در فضای غیرحضوری فراهم می‌سازند (مواد ۱۰ و ۱۲)، قانون تجارت الکترونیکی ایران) در نتیجه، نمایندگی الکترونیکی و سنتی از نظر ماهیت، آثار حقوقی و اصل لزوم تفاوتی ندارند، اما نمایندگی دیجیتال به دلیل اقتضات فنی، نیازمند سازوکارهای خاصی برای احراز هویت، انتساب اراده و اعتبار اقدامات است؛ نیازی که قانون‌گذار با مقررات مشخص پاسخ داده و زمینه ساز پذیرش نمایندگی دیجیتال در نظام حقوقی شده است.

۳- تحلیل اصل لزوم در نمایندگی دیجیتال

در این بخش، اصل لزوم در بستر نمایندگی دیجیتال به طور خاص مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ابتدا خود اصل لزوم در چارچوب نمایندگی بررسی می‌شود، سپس تأثیر قراردادهای الکترونیکی بر مفهوم و دامنه این اصل تحلیل خواهد شد. در نهایت، به موضوع تغییرناپذیری اراده و حق رجوع در زمینه نمایندگی دیجیتال پرداخته می‌شود.

۳-۱- تحلیل اصل لزوم در نمایندگی

پرسش اصلی آن است که آیا رابطه نمایندگی، به خصوص نمایندگی قراردادی، اصولاً از جنس عقد لازم می‌باشد یا خیر؟ در پاسخ لازم است در رابطه حقوقی میان نماینده و اصیل که مبتنی بر یک عقد است، تعهدات و مسؤولیت‌هایی دوطرفه ایجاد می‌شود (حمید، ۱۴۰۰: ۲). با این حال، از نظر فقه اسلامی و حقوق ایران، تردیدی در جایز بودن عقد وکالت که مصادق بارز نمایندگی قراردادی است، وجود ندارد. برابر ماده ۶۷۸ قانون مدنی، هر یک از وکیل و موکل می‌توانند هر زمان عقد وکالت را برهم زنند، چراکه این عقد از جمله عقود اذنی و جایز است. در چنین حالتی، اصل بر عدم لزوم این رابطه است و آنچه استمرار آن را تضمین می‌کند، شرط ضمن عقد لازم است، نه ماهیت ذاتی عقد با وجود این، در صورتی که نمایندگی در قالب شرط وکالت یا شرط عدم عزل در ضمن عقد لازم تنظیم شود، ممکن است اثر لزوم بر آن بار شود. در این زمینه، چهار حالت اصلی قابل تصور است: نخست، شرط وکالت به صورت شرط فعل که موکل در ضمن عقد لازمی

سؤال می‌رود و اجرا نخواهد شد؛ چراکه در حقوق ایران و فقه امامیه، اصل بر اجرای هر قرارداد تشکیل شده است (شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۵۴/۲). حال سؤال سومی که مطرح خواهد شد آن است که آیا قراردادهای الکترونیکی می‌توانند اجرای اصل لزوم را دچار تغییر یا محدودیت کنند؟ در حالت کلی، همانطور که اشاره شد قراردادهای الکترونیکی از نظر ماهیت تفاوتی با قراردادهای سنتی ندارند و اصل لزوم به‌عنوان یکی از قواعد بنیادین قراردادهای، همچنان بر آن‌ها حاکم است. اما ابزارهای خاص این نوع قراردادهای مانند امضای دیجیتال، (بند الف ماده ۲، قانون تجارت الکترونیکی ایران) داده‌پیام، (بند الف ماده ۲، قانون تجارت الکترونیکی ایران) یا اجرای خودکار در قراردادهای هوشمند (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۰) می‌توانند در عمل اجرای اصل لزوم را تحت تأثیر قرار دهند. در نتیجه، اگرچه اصل لزوم همچنان پابرجاست، اما دامنه و شدت اجرای آن ممکن است بسته به نوع و ساختار قراردادهای الکترونیکی دچار تحول شود

۳-۳- تغییرناپذیری اراده و حق رجوع در نمایندگی دیجیتال

در خصوص این بخش سؤالی که در خصوص این بخش مطرح می‌شود آن است که آیا در نمایندگی دیجیتال، مانند نمایندگی سنتی، امکان رجوع از اذن یا فسخ قرارداد نمایندگی وجود دارد؟ در پاسخ لازم است گفته شود که در حقوق ایران و فقه امامیه، اصل بر جایز بودن عقد وکالت است؛ یعنی هر یک از طرفین (موکل یا وکیل) می‌توانند هر زمان بخواهند آن را فسخ کنند (ماده ۶۷۸ قانون مدنی) در عقود الکترونیکی نیز چون تفاوت شکلی است، اگر نمایندگی در قالب وکالت دیجیتال ایجاد شده باشد، اصل جایز بودن همچنان حاکم است. با این حال، چنانچه نمایندگی به صورت شرط ضمن عقد لازم از قبیل شرط صفت، شرط نتیجه یا شرط فعل به صورت اثباتی یا نفی آن (ماده ۲۳۴، قانون مدنی ایران) یا در قالب قرارداد هوشمند (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۵۵) تغییرناپذیر تنظیم شود، حق رجوع می‌تواند محدود یا حتی از بین برود. سؤال دومی که مطرح می‌شود آن است که آیا ابزارهای دیجیتال (مانند قراردادهای هوشمند و امضای الکترونیکی) امکان تحقق و اثبات رجوع را محدود یا غیرممکن می‌سازند؟ در پاسخ گفته می‌شود که ابزارهایی از

قبیل قراردادهای هوشمند چون به‌طور خودکار در بستر بلاکچین اجرا می‌شوند، امکان توقف یا رجوع از آن‌ها پس از شروع بسیار محدود یا غیرممکن خواهد بود (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۵۵). این ویژگی ممکن است امکان رجوع، عزل یا فسخ را از نظر فنی و اجرایی دشوار کند، حتی اگر از نظر حقوقی جایز باشد. همچنین، اثبات رجوع یا تغییر اراده در سامانه‌های دیجیتال ممکن است به دلیل نبود رویه مشخص یا ضعف در احراز هویت دیجیتال، با چالش‌های جدی روبه‌رو شود. بنابراین، این ابزارها ممکن است عملاً اصل جایز بودن را محدود سازند، مگر اینکه در طراحی سیستم امکان رجوع صریح پیش‌بینی شده باشد. در نتیجه اگرچه در حقوق ایران و فقه امامیه اصل بر جایز بودن عقد وکالت و امکان رجوع از آن است، اما در نمایندگی دیجیتال این اصل ممکن است به واسطه ماهیت فناوری‌های نوین مانند قراردادهای هوشمند و امضای الکترونیکی دچار محدودیت‌های عملی شود. به‌ویژه در بستر بلاکچین، اجرای خودکار و تغییرناپذیر قراردادهای هوشمند، عملاً امکان رجوع یا فسخ را با موانع فنی و اجرایی مواجه می‌سازد. از این رو، اصل جایز بودن در نمایندگی دیجیتال اگرچه از منظر حقوقی همچنان معتبر است، ولی تحقق آن در عمل وابسته به طراحی اولیه قرارداد و پیش‌بینی امکان رجوع در ساختار سیستم خواهد بود

۴- چالش‌ها و مسائل حقوقی اصل لزوم در نمایندگی دیجیتال

در این بخش، چالش‌ها و مسائل حقوقی مرتبط با اجرای اصل لزوم در نمایندگی دیجیتال بررسی می‌شود. ابتدا دشواری‌های مربوط به احراز و اثبات این اصل در فضای دیجیتال تبیین می‌گردد، سپس به تعارض‌های احتمالی میان اصل لزوم و اقتضائات فناوری پرداخته می‌شود. در پایان، مسؤولیت‌های حقوقی نماینده و موکل در فرض نقض اصل لزوم تحلیل خواهد شد.

۴-۱- دشواری احراز و اثبات لزوم در فضای دیجیتال

نخست، احراز اراده و هویت در فضای دیجیتال: به این معنا که در عقود سنتی، حضور فیزیکی، امضاهای دستی، و گواهی‌های حضوری به احراز اراده و هویت کمک می‌کنند. اما در فضای دیجیتال، این فرآیند به ابزارهایی مثل امضای

بلاکچین طوری طراحی شده‌اند که پس از فعال‌سازی، امکان تغییر یا فسخ آن‌ها بسیار دشوار یا غیرممکن می‌شود (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۰). این عدم انعطاف با مقتضیات اصل لزوم که در نظام‌های حقوقی با سازوکارهای تعدیل همراه است (گل‌گون و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴)، در تعارض است. دوم تعارض میان تغییر اراده و غیرقابل بازگشت بودن سامانه‌ها: در قراردادهای سنتی، طرفین می‌توانند با توافق جدید (ماده ۱۰، قانون مدنی ایران) یا به استناد خیار (ماده ۳۹۶، قانون مدنی ایران)، قرارداد را تغییر دهند (ماده ۱۰، قانون مدنی ایران) یا منحل کنند (ماده ۲۸۳، قانون مدنی ایران) اما قراردادهای دیجیتال، به‌ویژه آن‌هایی که در بستر بلاکچین اجرا می‌شوند، غالباً فاقد قابلیت رجوع یا تغییر هستند، مگر این امکان در کدنویسی اولیه دیده شده باشد (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۱). این تعارض فنی، اجرای اصل لزوم را در عمل دچار چالش می‌کند، زیرا جایی برای اراده بعدی باقی نمی‌گذارد. در نتیجه با آنکه اصل لزوم در حقوق سنتی با سازوکارهایی نظیر خیار، فسخ یا اقاله، انعطاف‌پذیر و قابل تعدیل بوده است، اما قراردادهای دیجیتال به‌ویژه قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که امکان رجوع، فسخ یا تغییر پس از اجرا را عملاً از بین می‌برند، مگر آنکه از ابتدا در کدنویسی پیش‌بینی شده باشد. این ویژگی فنی، با اقتضائات انعطاف‌پذیر اصل لزوم در حقوق قراردادهای در تعارض قرار گرفته و تحقق اراده بعدی طرفین را دشوار می‌سازد. بنابراین، تطبیق قواعد حقوقی با ماهیت فناوریانه این نوع قراردادهای، نیازمند بازنگری در طراحی حقوقی و فنی قراردادهای دیجیتال است.

۳-۴- مسئولیت نماینده و موکل در فرض نقض اصل لزوم

نخست: مسئولیت نماینده در صورت ترک یا فسخ تعهد الزام‌آور: اگر نمایندگی به صورت شرط ضمن عقد لازم (ماده ۲۳۴، قانون مدنی ایران) یا قرارداد هوشمند غیرقابل تغییر (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۱) منعقد شده باشد، و نماینده بدون مجوز، اجرای تعهد را ترک یا فسخ کند، مشمول مسئولیت قراردادی خواهد شد (ماده ۲۲۰، قانون مدنی ایران) چراکه در این حالت، باید خسارات وارده به موکل را جبران کند (ماده ۲۲۷، قانون مدنی ایران) دوم: مسئولیت موکل در

الکترونیکی (بند ۲ ماده ۲، قانون تجارت الکترونیکی ایران) و احراز هویت دیجیتال (ماده ۱۰، قانون تجارت الکترونیکی ایران) واگذار شده است. در صورت نقص یا تردید در این ابزارها، اثبات قصد الزام‌آور طرفین دشوار می‌شود. دوم، نبود بینه فیزیکی و شواهد ملموس: در فضای دیجیتال اغلب اسناد و نشانه‌هایی مانند داده‌پیام‌ها، (بند الف ماده ۲، قانون تجارت الکترونیکی ایران) تراکنش‌های بلاکچینی (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۰) نیاز به تفسیر فنی دارند. نبود نسخه مکتوب سنتی ممکن است اثبات وجود لزوم یا شرط عدم فسخ را با دشواری روبه‌رو کند. سوم، تعارض بین شکل دیجیتال قرارداد و قواعد سنتی لزوم به نظر می‌رسد در برخی موارد، اگر قرارداد به‌طور خودکار در سامانه ثبت شده باشد یا به‌صورت پیش‌فرض گزینه فسخ نداشته است. در این شرایط، دادگاه باید مشخص کند که آیا طرفین عملاً قصد لزوم داشته‌اند یا صرفاً درگیر فرایند دیجیتال از پیش تعریف شده شده‌اند. این موضوع باعث تردید در تحقق لزوم واقعی و معتبر می‌شود. در نتیجه در فضای دیجیتال، تحقق و اثبات اصل لزوم با چالش‌هایی روبه‌رو است که عمده‌تاً ناشی از تفاوت‌های ساختاری این محیط با قراردادهای سنتی استابزارهای احراز هویت دیجیتال و امضای الکترونیکی، در صورت نقص یا تردید، اعتبار اراده الزام‌آور را زیر سؤال می‌برند. همچنین، نبود شواهد فیزیکی و اتکا بر داده‌پیام‌ها و تراکنش‌های بلاکچینی، فرایند اثبات لزوم را پیچیده‌تر می‌کند. در نهایت، تعارض میان سازوکار خودکار قراردادهای دیجیتال با قواعد سنتی لزوم، دادگاه‌ها را با دشواری در تشخیص قصد واقعی طرفین مواجه می‌سازد. از این‌رو، در محیط دیجیتال، اصل لزوم اگرچه معتبر باقی می‌ماند، اما تحقق عملی و اثبات آن نیازمند دقت فنی و حقوقی بیشتری است.

۲-۴- تعارض اصل لزوم با اقتضائات فناوری

نسبت به تعارض میان انعطاف‌پذیری قراردادهای طراحی غیرقابل تغییر فناوری بیان می‌شود که در حقوق سنتی، اصل لزوم (ماده ۲۱۹، قانون مدنی ایران) با استثنائاتی همچون خیار شرط، (ماده ۳۹۹، قانون مدنی ایران) فسخ، (ماده ۱۸۵، قانون مدنی ایران) یا اقاله (ماده ۲۸۳، قانون مدنی ایران) همراه است اما فناوری‌هایی مانند قراردادهای هوشمند بر بستر

صورت تحقق شرایط قانونی، باید از همان اعتبار الزام‌آور قراردادهای سنتی برخوردار باشد. برای تحقق این امر، باید چارچوب مشخصی برای شناسایی نماینده دیجیتال، حدود اختیارات او، و آثار حقوقی اقداماتش تدوین شود. این شناسایی می‌تواند به رفع خلأهای فعلی در معاملات هوشمند کمک کند. همچنین موجب ارتقای امنیت حقوقی و اعتماد طرفین در بسترهای الکترونیکی خواهد شد.

۵-۲- پیه‌شنهاد بازنگری مفاهیم سنتی قراردادهای متنا سب با ساختارهای نوین تعاملات الکترونیکی

با تحول در شیوه‌های تعامل و انعقاد قراردادهای، مفاهیم سنتی مانند اراده، ایجاب، قبول، و تعهد نیازمند بازنگری و تفسیر مجدد در بسترهای الکترونیکی هستند. این مفاهیم که بر حضور فیزیکی، گفتار یا نوشتار کلاسیک استوار بودند، اکنون باید با سازوکارهای دیجیتال مانند تبادل داده، امضای الکترونیکی و عملکرد خودکار نماینده مجازی هماهنگ شوند. بازتعریف این مفاهیم موجب رفع ابهام در اعتبار و آثار قراردادهای الکترونیکی می‌شود. همچنین این بازنگری می‌تواند پیوستگی منطقی میان قواعد سنتی و تحولات جدید ایجاد کند. چنین نگاهی به ایجاد نظام حقوقی منسجم و قابل اعتماد در فضای دیجیتال کمک خواهد کرد.

۵-۳- راهکارهای تقنینی برای تثبیت اصل لزوم در نمایندگی الکترونیکی

برای تثبیت اصل لزوم در نمایندگی الکترونیکی، لازم است قانون‌گذار با صراحت، اعمال نماینده دیجیتال را در صورت تحقق شرایط مشخص، الزام‌آور تلقی کند. این امر مستلزم تعیین قواعد روشن درباره شناسایی اراده، محدوده اختیار، و امکان فسخ یا انحلال قراردادهای منعقدشده توسط نمایندگان غیر ضروری است. همچنین باید نحوه تأیید اصالت و اعتبار اقدامات الکترونیکی در نظام حقوقی تبیین شود. تدوین این قواعد از تردید در اعتبار معاملات دیجیتال می‌کاهد و موجب افزایش امنیت حقوقی می‌شود. در نتیجه، اصل لزوم در فضای الکترونیکی نیز به‌درستی اجرایی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

صورت عزل نامشروع نماینده: در صورتی که موکل، نماینده را برخلاف شرط عدم عزل (ماده ۶۷۹، قانون مدنی ایران) یا توافق اولیه (ماده ۱۰، قانون مدنی ایران) مثل شرط فعل (ماده ۲۳۴، قانون مدنی ایران) یا قرارداد دیجیتال غیر قابل رجوع (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸: ۲۶۱) عزل کند، (ماده ۶۷۸، قانون مدنی ایران) ممکن است با وجود تحقق عزل، (مواد ۶۷۹، قانون مدنی ایران) این اقدام به دلیل نقض شرط ضمن عقد لازم، (ماده ۲۳۴، قانون مدنی ایران) موجب ضمان و مسئولیت خواهد بود (ماده ۲۲۱، قانون مدنی ایران). در نتیجه، اگر چه اصل جایز بودن و امکان رجوع در عقد وکالت و نمایندگی در حقوق ایران پذیرفته شده، اما در مواردی که نمایندگی در قالب شرط ضمن عقد لازم یا قراردادهای دیجیتال غیر قابل رجوع تنظیم شده باشد، نقض این تعهدات می‌تواند مسئولیت مدنی برای نماینده یا موکل ایجاد کند. در چنین حالتی، ترک تعهد از سوی نماینده یا عزل نام شروع از سوی موکل نه تنها برخلاف توافق الزام‌آور است، بلکه موجب ضمان و لزوم جبران خسارت براساس قواعد مسئولیت قراردادی خواهد بود. این امر نشان می‌دهد که اصل لزوم در نمایندگی دیجیتال، علی‌رغم ظاهر سنتی جایز بودن، از منظر عملی و حقوقی آثار الزام‌آوری جدی در پی دارد.

۵-۴- راهکارها و الزامات اصلاحی

در این بخش، با تمرکز بر راهکارهای پیش‌رو، تلاش می‌شود الزامات اصلاحی برای تقویت اصل لزوم در نمایندگی دیجیتال ارائه شود. ابتدا پیشنهاد شناسایی حقوقی نهاد نمایندگی دیجیتال و پذیرش الزام‌آور بودن اعمال آن مطرح می‌گردد، سپس ضرورت بازنگری در مفاهیم سنتی قراردادهای متناسب با تعاملات نوین الکترونیکی بررسی می‌شود. در نهایت، راهکارهای تقنینی برای تثبیت اصل لزوم در نمایندگی الکترونیکی ارائه خواهد شد.

۵-۱- پیه‌شنهاد شناسایی حقوقی نمایندگی دیجیتال و اعتبار الزام‌آور اعمال آن

با توجه به گسترش تعاملات غیرحضوری، ضروری است نمایندگی دیجیتال به‌عنوان نهادی حقوقی مستقل و معتبر شناسایی شود. اعمال انجام شده توسط این نوع نمایندگی، در

منابع و مأخذ

- آهنگران، محمد رسول و احمدی، امیر (۱۴۰۳). *قراردادهای الکترونیکی انعقاد تا انحلال (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق ایران و کنوانسیون ژنو ۲۰۰۵)*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- ارزانی، نیما (۱۴۰۳). «چالش های معاملات الکترونیکی و راهکارهای مشروعیت بخشی به آن از منظر فقه امامیه». *نشریه مطالعات فقه و حقوق فرهنگی*، ۱ (۱): ۱۰۱-۱۲۷.

- حاج یانی، هادی (۱۳۸۶). *حقوق نمایندگی: باب اول نمایندگی مدنی، باب دوم نمایندگی تجاری*. تهران: دانش نگار.

- حمید، کامل (۱۴۰۰). «آثار نمایندگی تجاری در روابط میان اصیل، نماینده و ثالث». *پنجمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق*، ۷۲۵-۷۳۹.

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۴). *ترمیمولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.

- شرح قانون مدنی فرانسه (اصلاحات ۲۰۱۶) (۱۴۰۲). ترجمه و پژوهش سیامک پاکباز، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- شهیدی، مهدی (۱۳۹۱). *اصول قراردادها و تعهدات*. جلد دوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- صفایی، سید حسین (۱۳۹۵). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- قانون تجارت الکترونیکی ایران (۱۳۸۲)، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (تاریخ مشاهده ۱۴۰۴/۱/۲۴) قابل دسترس در:

<https://rcmajlisir/fa/law/show/93997>

- قنواتی، جلیل (۱۳۸۱) «ماهیت حقوقی نمایندگی» مجله مجتمع آموزش عالی قم ۴ (۱۲): ۱۳۳-۱۶۰

در اصل لزوم به عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق قراردادها، در فضای سنتی به روشنی قابل اجرا است، اما ورود فناوری های نوین، به ویژه در بستر نمایندگی دیجیتال، اجرای آن را با چالش هایی مواجه کرده است. نمایندگی قراردادی به دلیل ماهیت جایز خود، تنها در صورت درج شرط ضمن عقد لازم می تواند مشمول اصل لزوم باشد. قراردادهای الکترونیکی اگر چه از نظر ماهوی تفاوتی با عقود سنتی ندارند، اما ابزارهایی مانند امضای دیجیتال و قراردادهای هوشمند، تشخیص اراده واقعی طرفین و امکان رجوع را دشوار می سازند. در برخی موارد، ساختارهای فناورانه موجب محدود شدن امکان فسخ یا تغییر قرارداد شده و اصل لزوم را از نظر اجرایی تحت تأثیر قرار می دهند. از این رو، تحقق اصل لزوم در نمایندگی دیجیتال وابسته به طراحی دقیق حقوقی، استفاده از ابزارهای احراز هویت مطمئن، و پیش بینی امکان رجوع در ساختارهای فنی است. مسئولیت قراردادی ناشی از نقض تعهدات نیز در این فضا تشدید می شود. برای رفع این موانع، باید نهاد نمایندگی دیجیتال به صورت رسمی شناسایی و قواعد حقوقی آن با ویژگی های فناوری تطبیق یابد. همچنین، اصلاح مفاهیم سنتی و تدوین مقررات خاص می تواند اجرای پایدار اصل لزوم را در فضای الکترونیکی تضمین کند.

ملاحظات اخلاقی: این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده بوده و تمامی اصول اخلاقی در نگارش آن رعایت شده است.

تعارض منافع: نویسندگان هیچگونه تعارض منافی در ارتباط با مقاله ندارند.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله منفرداً توسط نویسنده صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می نمایم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۳). دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها. جلد سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- گل‌گون، عبدالکریم؛ اسدی کوه باد، هرمز و آهنگران، محمد رسول (۱۴۰۲). «بررسی تقدم لاجرج بر اصله اللزوم در اجرای قراردادها». مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۶ (۱): ۱۹-۳۷.

- محمدی، مرتضی (۱۳۹۳). انعقاد قراردادهای الکترونیکی (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق ایران و کنوانسیون ۲۰۰۵ ژنو). قم: دانشگاه مفید.

- مقامی نیا، محمد (۱۳۹۱). «نحوه انعقاد قراردادهای الکترونیکی و ویژگی‌های آن». دانش حقوق مدنی، ۱: ۸۵-۹۸.

- ناصری، مهدی و صادقی، حسین (۱۳۹۸). «اعتبار سنجی و چالش‌های حقوقی به‌کارگیری قراردادهای هوشمند: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و آمریکا». پژوهش حقوق خصوصی، ۷ (۲۷): ۲۵۵-۲۸۸.